اتفاق

«قصه کوتاه» تازه‌ترین اثر موسیقایی محمدصادق ولیئی



آلبوم موسیقی «قصه کوتاه» به آهنگسازی محمدصادق ولیئی و خوانندگی محمد ذاکرحسین منتشر شد. این مجموعه حاصل همراهی هنری دو هنرمند با دغدغه‌های مشترک در زمینه شعر و موسیقی ایرانی است؛ تجربه‌ای که ریشه در محافل و نشست‌های موسیقایی شیراز در اوایل دهه ۱۳۹۰ دارد. در این اثر، خشایار طیار (کمانچه و کمانچه آلتو)، محمد بهرادکیا (سنتور) و صادق شریعتی (تنبک) به نوازندگی پرداخته‌اند. ضبط استودیویی اثر بر عهده مجتبی محنا بوده و انتشار آن توسط شرکت آوای هنر محنا انجام شده است.

عنوان آلبوم برگرفته از بیتی از حافظ است: «ما شیخ و واعظ کمتر شناسیم / را جام باده یا قصه کوتاه». انتخاب این نام، بازتابی از پیوند اثر با ادبیات فارسی و جهان موسیقایی آن است. آلبوم «قصه کوتاه» از طریق پلتفرم‌های رسمی انتشار موسیقی و همچنین وب‌سایت شخصی آهنگساز به نشانی www.valiee.art در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

دریچه

«اودیسه» پیشتاز جوایز انتخاب منتقدان شد

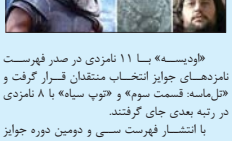

«اودیسه» با ۱۱ نامزدی در صدر فهرست نامزدهای جوایز انتخاب منتقدان قرار گرفت و «تل‌ماسه: قسمت سوم» و «توپ سیاه» با ۸ نامزدی در رتبه بعدی جای گرفتند.

با انتشار فهرست سی و دومین دوره جوایز انتخاب منتقدان، دور جدید رقابت‌های سینمایی برای خیز برداشتن به سوی اسکار شروع شد و در این میان «اودیسه» یونیورسال با ۱۱ نامزدی در صدر فهرست قرار گرفت. این فیلم که برمبنای شعر حماسی هومر ساخته شده و اولین فیلم بلندی است که به تمامی با دوربین‌های آی‌مکس فیلمبرداری شده است، موفق شد تا در هر ۱۱ بخش هنری، از فیلمبرداری هویته ون هویتما و انتخاب لباس الن مایرونیک گرفته تا انتخاب بازیگران توسط جان پاپسیدرا به فهرست راه یابد. تنها در بخش بازیگر/هنرپیشه جوان بود که این فیلم موفق به کسب نامزدی نشد.

جوایز انتخاب منتقدان در ۱۲ بخش از فیلمبرداری و تدوین گرفته تا طراحی تولید و موسیقی، همراه با انتخاب بازیگران و گروه بازیگران، طراحی صدا و بدلکاری - سه بخشی که از فصل گذشته به فهرست افزوده شد - را دربرمی‌گیرد. رأی‌گیری با رأی بیش از ۵۰۰ عضو این سازمان انجام می‌شود و هر بخش هنری ۶ نامزد و بخش بهترین فیلم ۱۰ نامزد را شامل می‌شود.فیلم علمی تخیلی «تل‌ماسه: قسمت سوم» از برادران وارنر که از ۱۸ دسامبر اکرانش شروع می‌شود و فیلم اسپانیایی «توپ سیاه» از تنفلیکس، هر یک با ۸ نامزد، در رتبه‌های بعدی جای گرفتند.فیلم «گودزیلا منهای صفر» و فیلم استاپ‌موشن «وایلدوود» نیز در ۷ بخش نامزد شدند و «پرونده سلام مریم» و «وورولف» هر یک ۶ نامزدی به دست آوردند. در مجموع، ۵۹ فیلم، ۱۴۴ جایگاه موجود در ۱۲ بخش فهرست را پر کرده‌اند.فصل گذشته، «گناهکاران» ساخته رایان کوگلر با ۱۳ نامزدی، پیشتاز بود؛ نامزدهای نهایی امسال ۴ دسامبر (۱۳ آذر) معرفی خواهند شد.

جشنواره جهانی فیلم ترکیه با «اُجاق» یک شیرازی گرم شد



مستند «اُجاق» فیلم افتتاحیه جشنواره جهانی فیلم OBA ترکیه شد.

فیلم مستند «اُجاق» به کارگردانی علی بلندنظر، به‌عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره جهانی فیلم OBA و همچنین یکی از آثار منتخب برای درج در پوستر اصلی این رویداد سینمایی، انتخاب شد؛ این جشنواره در شهر چاناک‌قلعه ترکیه برگزار شد.

مستند «اُجاق» با رویکردی مردم‌نگارانه و زبانی شاعرانه، به آیین‌ها، باورها و حافظه فرهنگی عشایر ترک‌تبار ایل قشقایی در جنوب ایران می‌پردازد، مردمانی که فرهنگ و شیوه زندگی‌شان پیوندی دیرینه با کوچ، طبیعت و سنت‌های کهن دارد.

«اُجاق» در این فیلم فراتر از معنای متداول خود، به‌مثابه مفهومی فرهنگی و نمادی از هویت، تداوم زندگی، خاطره و پیوندهای خانوادگی مورد توجه قرار گرفته است. اجاق در زندگی عشایری تنها محل افروختن آتش نیست، بلکه کانونی برای گردهمایی، برگزاری آیین‌ها، انتقال باورها و شکل‌گیری حافظه جمعی به شمار می‌رود. این مستند می‌کوشد بخشی از میراث فرهنگی ناملموس قشقایی‌ها را از میان مشاهده زندگی روزمره، آیین‌ها و روایت‌های مردمان این ایل به تصویر بکشد و نسبت میان سنت‌های به‌جامانده از گذشته و دگرگونی‌های زندگی امروز را بازنمایی کند.

انتخاب «اُجاق» به‌عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره جهانی فیلم OBA و حضور تصویر آن در پوستر اصلی این رویداد، فرصتی برای معرفی بخشی از فرهنگ و هویت مردمان قشقایی و همچنین عرضه سینمای مستند ایران در عرصه بین‌المللی فراهم می‌کند.

عوامل سازنده مستند «اُجاق» عبارتند از: فیلم‌بردار و تدوینگر: محمد ناصری‌راد صدابردار: محسن دانشور تحقیق و پژوهش: احسان بلندنظر مدیران تولید: سینا بهروزیان و محمدحسین فلاح‌زاده عکاس: محمد ناصری‌راد تایپوگرافی: احسان بلندنظر روابط عمومی: پریسا کاظمی و مهران نامداری تهیه‌کنندگان: علی بلندنظر

این فیلم با مشارکت انجمن سینمای جوانان ایران، دفتر شیراز تولید شده است. جشنواره جهانی فیلم OBA از ۱۹ تا ۲۳ نوامبر ۲۰۲۶ (۲۸ آبان تا ۲ آذر ۱۴۰۵) در شهر چاناک‌قلعه ترکیه برگزار شد.

رضا نیکخواه در همسایگی اکبر عبدی آرام گرفت



صبح روز گذشته، قطعه هنرمندان بهشت زهرا، میزبان اشک‌ها و خاطراتی شد که غلامرضا نیکخواه برای نسل‌ها به یادگار گذاشت.

مراسم تشییع پیکر غلامرضا نیکخواه با حضور خانواده، دوستداران و جمع زیادی از مردم صبح دیروز در قطعه هنرمندان بهشت زهرا برگزار شد و پس از سخنرانی دوستانش، در همسایگی اکبر عبدی آرام گرفت. اجرای مراسم بر عهده آرش ظلی‌پور بود.

❋نیکخواه اما و ولی نداشت...

آرش ظلی‌پور در سخنانی گفت: ناگهانی رفت؛ خیلی عجیب بود این خبر. از زمانی که به سن و سالم می‌آید خیلی‌ها را به خاک سپردیم، به یاد ندارم این‌قدر یک نفر اثرش در دل و جان مردم و همکارانش عجیب باشد. لحظه‌ای که این خبر را شنیدم از سه جوان پرسیدم، آنها گفتند صحت دارد و وقتی چهره آنها را دیدم، در لحظه فرو ریختند.

وی ادامه داد: غلامرضا نیکخواه «اما و ولی» نداشت، خیلی شریف و درست و حسابی بود و فکر می‌کنم هیچوقت کسی جایش را نمی‌گیرد. زندگی همین قدر کوتاه است؛ همین‌قدر ناگهانی! رفتن غلامرضا نیکخواه که عضوی از خانواده ایران است و می‌خواست این خانواده در این شرایط سخت یک لحظه بخندند و حالشان خوب باشد؛ غلامرضا نیکخواه این شانس را داشت نامش در یادها بماند.

حامد آهنگی نیز در این مراسم قرار بود به سخنرانی بپردازد، اما بغض‌هایش اجازه ندادند، سخنرانی کند.

❋هیچ نقطه تاریکی از او سراغ نداریم

وحید آقاپور - بازیگر سینما و تئاتر- نیز در سخنانی ضمن تسلیت برای درگذشت این هنرمند گفت: خوب است که ما در آخرین دیدار حضور پیدا کنیم؛ امروز آخرین دیدار ما با آقای نیکخواه است. فرصت را نباید از دست بدهیم. این وداع است؛ حق معرفت این است که دوست عزیزمان را به سفر ابدی مشایعت کنیم.

آقاپور ادامه داد: او هنرمندی بود که هیچ نقطه تاریکی از او سراغ نداریم. جز خوبی چیزی از او به یاد نداریم و حتی کسانی که با او همکاری نکرده‌اند و او را نمی‌شناسند، از شنیدن درگذشتش متاثر می‌شوند.

این هنرمند همچنین گفت: من زندگی و کار آقای نیکخواه را یک حیات پربار می‌دانم؛ اینکه این همه خاطره گذاشته است، کم چیزی نیست و باید قدر بدانیم. به سینمای ایران، خانواده و دخترش «نیلوفر» تسلیت می‌گوییم.

❋ دمت گرم! آقای نیکخواه

محسن کیایی -بازیگر سینما و تئاتر- نیز در بخش دیگری از این مراسم در سخنانی گفت: آقای نیکخواه در اولین سریال مشترکی که بازی کردیم، قرار بود نقش عموی من را بازی کند. او قرار بود در سکانسی به سر من بزند و تا همین چند وقت پیش به خاطر زدن در سر من عذرخواهی می‌کرد.کیایی اضافه کرد: نمی‌دانم چه بگویم. خیلی خوشحالم که این‌گونه به استقبالش آمدید. دمت گرم که وقتی بودی و الان هم که نیستی اینقدر خوب بودی.

❋او همه وجودش قلب بود و عشق

حامد آهنگی -بازیگر طنز- هم در سخنانی مطرح کرد: آن چیزی که مردم از عمو رضا دیدند، هنرش بود. هیچوقت دنبال حاشیه نبود. او همه وجودش قلب بود و عشق. یکبار نشد هم کلام شوم و غر بزند، بنالد یا غیبت کند؛ مثل کودک شفاف و زلال بود.

آهنگی با بغض و اشک ادامه داد: از وقتی که فهمیدم خوابم نبرد؛ عمو رضا حلالم کن» به امید دیدارت.

❋ از آن رفتن‌هایی که باید از ته قلب برایش آه کشید

علی اوجی - بازیگر و تهیه‌کننده- نیز در ادامه مراسم در سخنانی گفت: از طرف خانواده‌های نیکخواه، همسرش و دخترش از همه تشکر می‌کنم؛ البته که رضا متعلق به شما مردم است. مهمان خانه‌های شما و در کنار شما بوده است. چیزی که از رضا می‌دانم این بود که همه بر این اذعان دارند که نجابت، اخلاق، منش و آقایی از روی او می‌بارید. اوجی ادامه داد: رضا، بازیگری تماشایی بود که چند نسل با او خوش همراه کرد. امروز اینجا به خانه ابدی برفرفاش می‌کنم، باورم نمی‌شود که از دستش دادیم و از آن رفتن‌هایی است که نه قلب باید برایش آه کشید.

❋بهترین جایزه‌ها را از قلب مردم گرفت

علیرضا نجف‌زاده- کارگردان- نیز در مراسم تشییع غلامرضا نیکخواه از سوی خانه سینما به سخنرانی پرداخت و با اشاره به محبوبیت غلامرضا نیکخواه در قلب مردم گفت: بهترین جایزه‌ها را از قلب مردم گرفت.

نجف‌زاده با یادآوری سفر مشترکشان به حج، از همراهی‌های نیکخواه با همسفران و هماهنگی گفت و تأکید کرد: همسفران و همکارانت نمی‌گذارند دچار ترس شوی. نمی‌دانم بگویم جایزه اسکار، بگویم سیمرغ و یا... به نظر من، عمو رضا بهترین جایزه‌ها را از قلب مردم گرفت. کسی که بتواند خاطره بسازد، کار بزرگی کرده است.

وی افزود: در این یکی دو روز، هم فضای مجازی را می‌بینیم و هم بین مردم هستیم. به قول آرش ظلی‌پور، هیچ‌کس را حداقل خود من و همکارانم پیدا نکردیم که نگوید خدا، رضا نیکخواه را رحمت کند. می‌گویند کسی را که می‌خواهی بشناسی، باید در سفر بشناسی. من یک افتخاری داشتم که به همراه چند نفر از دوستان، با رضا جان همسفر خانه خدا شدیم. متأسفانه از آن همسفرانمان الان چند نفری اینجا هستند؛ زنده‌یاد علی سلیمانی عزیز، آزاده نامداری و همین‌طور نوشی داریم.

وی ادامه داد: رضا جان خیلی با محبت بود. در محیط کار هم به هر صورت وظایف حرفه‌ای‌اش را انجام می‌داد و با همکارانش همراهی داشت. به یاد دارم رضا، در جلسه‌ای به مهران مدیری گفت از لحظه‌ای که قرار است به خاک برویم، می‌ترسم. قول می‌دهم، علی سلیمانی و آزاده نامداری از تو استقبال می‌کنند. نمی‌گذارند ترس بر تو غلبه کند. اصلاً مگر می‌شود کسی که این همه دل مردم را شاد کرده، با حال بد برود؟ در پایان از خدا برای رضا آرامش دارید می‌خواهم. برای شهلا خانم و نیلوفر عزیزم صبر می‌خواهم؛ من مطمئنم رضا اینجاست.

❋نقش تو همیشه برای ما ماندگار است

نیلوفر نیک‌خواه -دختر این هنرمند- هم در سخنانی ضمن قدردانی از حاضران در مراسم گفت: سلام و درود به همه حاضران گرامی که برای گرامیداشت یاد پدرم، غلامرضا نیک‌خواه، گرد هم آمده‌اید. از تک‌تک شما سپاسگزارم. می‌دانستم روزی فرا خواهد رسید که باید از پدرم سخن بگویم، اما هرگز گمان نمی‌کردم امروز آن روز باشد؛ چرا که هنوز کارهای ناتمام بسیاری با او داشتم. او نفس من بود؛ رفت و دلم را به آتش کشید. امروز در این جایگاه ایستاده‌ام تا از مردی بگویم که سال‌ها لبخند را بر لبان شما نشاند و تا آنجا که در توان داشت، غم را از خانه‌هایتان زدود. پدرم، رضا نیک‌خواه، سال‌ها بر صحنه و در قاب تلویزیون، مردم را خندانید. اما برای من، پیش از آنکه هنرمندی باشد، پدری بود که حضورش معنای عشق، گرمی و آرامش بود. پدر جان، نقش تو همیشه برای ما ماندگار است. چه خاطراتی که برایمان ساختی. پدری بودی که همه به داشتنش افتخار می‌کردند. همیشه به نامت افتخار می‌کنم.

خبر

«غذای نیمروز» مجید مجیدی واجد شرایط گلدن گلوب شد



فیلم سینمایی «غذای نیمروز» ساخته مجید مجیدی در فهرست آثار واجد شرایط رقابت در هشتاد و چهارمین دوره جوایز سینمایی و تلویزیونی گدن گلوب قرار گرفت. در حالی که فهرست رسمی آثار واجد شرایط رقابت در شاخه‌های گوناگون هشتاد و چهارمین دوره جوایز سینمایی گلدن گلوب به صورت رسمی از سوی این نهاد سینمایی منتشر نشده، اما نشریه وارایتی به صورت اختصاصی به این فهرست دست یافته است که نشان می‌دهد در شاخه بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان در مجموع ۴۲ فیلم واجد شرایط شناخته شده‌اند.

فیلم «غذای نیمروز» ساخته مجیدی که پیش از این موفق به کسب جایزه اصلی بهترین فیلم جشنواره بوسان شده، نیز به نمایندگی از سینمای ایران در این شاخه از جوایز گلدن گلوب رقابت خواهد کرد. این فیلم پیش‌تر و بر اساس قوانین جدید اسکار و به واسطه کسب جایزه اول جشنواره بوسان، در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی نود و نهمین دوره جوایز اسکار نیز حضور دارد و در کنار انتخاب رسمی سینمای ایران یعنی فیلم «سرزمین فرشته‌ها» ساخته بابک خواجه‌پاشا در این رقابت حضور دارد. در جوایز گلدن گلوب ۲۰۲۷ در مجموع ۸۸ عنوان در بخش بهترین فیلم (درام)، ۴۳ عنوان در بخش بهترین فیلم (موزیکال یا کمدی)، ۲۴ فیلم بلند انیمیشن، ۴۲ فیلم غیرانگلیسی‌زبان، ۱۰۰ موسیقی متن اورجینال، ۵۱ ترانه اورجینال و ۲۰ اثر در بخش دستاوردهای سینمایی و فروش گیشه واجد شرایط شناخته شده‌اند.

کلاکت

حضور «رزگار» در جشنواره فیلم دهوک



فیلم کوتاه «رزگار» به کارگردانی گشین میراحمدی و تهیه‌کنندگی علی کشاورز، به جشنواره فیلم دهوک راه یافت. به نقل از مشاور رسانه‌ای پروژه؛ فیلم کوتاه «رزگار» به کارگردانی گشین میراحمدی، نویسندگی زانیار لطفی، گشین میراحمدی و تهیه‌کنندگی علی کشاورز، در اولین حضور جهانی خود به بخش پانوراما سیزدهمین دوره جشنواره فیلم دهوک راه یافت و در همین راستا از پوستر این فیلم نیز رونمایی شد.

جشنواره فیلم دهوک DUHOK، با هدف نمایش فیلم‌های نوآورانه با ارزش هنری بالا برگزار می‌شود. یکی از وظایف اصلی این رویداد، ایجاد پلی بین تولید فیلم کردی و فیلمسازی جهانی عنوان شده است. این جشنواره نه‌تنها مجموعه گسترده‌ای از تولیدات بین‌المللی را ارائه می‌دهد، بلکه هدف آن برجسته‌کردن سینمای کردی در چشم‌انداز سینمای جهان نیز است.سیزدهمین دوره جشنواره فیلم دهوک از ۱۳ تا ۲۰ دسامبر ۲۰۲۶ (۲۲ تا ۲۹ آذر) در عراق، برگزار خواهد شد.

«رزگار» تاکنون، موفق به کسب جایزه بهترین کارگردانی هفتمین دوره جشنواره ملی فیلم آینه شده است و کاندیدای بهترین فیلمبرداری و بهترین فیلمنامه جشنواره آینه و نامزد دریافت بهترین بازیگری مرد برای رزگار خاطری در سومین دوره جشنواره ملی فیلم فانوس خیال را نیز در کارنامه دارد.

در خلاصه داستان «رزگار» آمده است: «زندگی پرستاری به تصمیمی مهم، گره خورده است.»رزگار خاطری، میلاد اشکالی، پیام علوی، صاحب یوسفی، فرزین شریفی‌زاده و دانیال امیریان، در این فیلم کوتاه به ایفای نقش پرداخته‌اند و پخش بین‌الملل اثر را شرکت سینمایی بفر پرودکشن برعهده دارد.

جشنواره ملی آب به قیمت جان

دو جایزه را به مستندهای پسر تالاب و کتابون اهداء کرد



دو مستند از سینماگران شیرازی در دومین دوره جشنواره ملی آب به قیمت جان، موفق به دریافت جوایز این رویداد شدند.

مستند «پسر تالاب» به کارگردانی مهدی فلامرزی و تهیه‌کنندگی محمد ناصری‌راد، جایزه بهترین کارگردانی مستند را دریافت و مستند «کتابون» به کارگردانی محمد ناصری‌راد و تهیه‌کنندگی رضا دانش‌پژوه نیز جایزه بهترین مستند داستانی این جشنواره را از آن خود کرد. این موفقیت، حضور و ظرفیت سینمای مستند شیراز را در عرصه پرداختن به مسائل محیط‌زیستی و روایت‌های بومی بار دیگر برجسته نشان داد.

مستند «پسر تالاب» با رویکردی اتنوآکولوژیک، به زندگی و مناسبات معیشتی و فرهنگی عشایر عرب حاشیه تالاب ارژن می‌پردازد و پیوند میان انسان، زیست‌بوم و شیوه‌های زیست بومی را در کانون روایت خود قرار می‌دهد. مهدی فلامرزی، کارگردان این مستند، با اشاره به اهمیت جغرافیای مورد مطالعه فیلم گفت: «این اثر درباره ذخیره‌گاه زیست‌کره ارژن و پریشان است؛ تنها ذخیره‌گاه زیست‌کره استان فارس. رویکرد مستند اتنوآکولوژیک است و تلاش می‌کند از طریق زندگی عشایر حاشیه دریاچه ارژن، رابطه میان جامعه محلی و محیط طبیعی پیرامون آن را به تصویر بکشد.

محمد ناصری‌راد، کارگردان مستند «کتابون» و تهیه‌کننده «پسر تالاب»، نیز با اشاره به وضع نگران‌کننده تالاب‌های استان فارس اظهار کرد: متأسفانه شرایط تالاب‌های فارس اصلاً مطلوب نیست و این مسئله نیازمند توجه و رسیدگی جدی و مستمر است. بخش مهمی از بحران‌های آبی و محیط‌زیستی این استان، ماهیتی درون‌استانی دارند و برخلاف برخی دیگر از نمونه‌های کشور، لزوما در چارچوب مناقشات بین‌استانی یا بین‌المللی قابل توضیح نیستند؛ از همین رو، باید مسئولیت‌پذیری و پیگیری در سطح مدیریت و برنامه‌ریزی استانی با جدیت بیشتری دنبال شود. وی با تأکید بر اهمیت زیست‌محیطی مجموعه تالاب‌ها و دریاچه‌های فارس، به وضع دریاچه‌های بختگان و طشک و تالاب کمجان اشاره کرد و افزود: این پهنه‌های آبی از نظر اکولوژیک، تنوع زیستی، کارکردهای طبیعی و پیوندشان با زندگی جوامع محلی، از مناطق بسیار مهم کشور به شمار می‌روند. تداوم شرایط موجود می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای طبیعت و سکونتگاه‌های انسانی پیرامون آن‌ها داشته باشد و ضرورت دارد حفاظت و احیای این زیست‌بوم‌ها از سطح شعار فراتر برود و در برنامه‌های اجرایی و تصمیم‌گیری‌ها جایگاه واقعی خود را پیدا کند.

کسب دو جایزه در بخش‌های بهترین کارگردانی مستند و بهترین مستند داستانی در دومین دوره جشنواره آب به قیمت جان، علاوه بر ثبت موفقیتی هنری برای عوامل دو اثر، بار دیگر توجه‌ها را به نقش سینمای مستند در بازنمایی بحران‌های محیط‌زیستی، ثبت فرهنگ‌های در معرض فراموشی و روایت نسبت پیچیده انسان و طبیعت جلب می‌کند؛ روایتی که در آثار فیلمسازان شیرازی، از تالاب ارژن تا دیگر پهنه‌های آبی فارس، امتداد یافته است.

پوستر «ثبت با سند برابر است» رونمایی شد

پوستر مستند «ثبت با سند برابر است» ساخته نیما مهدیان که متقاضی حضور در بیستمین جشنواره «سینماحقیقت»، رونمایی شد. مستند «ثبت با سند برابر است» به کارگردانی نیما مهدیان، با ثبت ۲۷ روز از لحظات جنگ رمضان در تهران، زندگی شهروندان و تلاش امدادگران تا ویرانی خانه‌ها و قربانی شدن کودکان، نویسنده و کارگردان: نیما مهدیان، تصویربرداری: سعید ستاری، مهدی صابردرویش و نیما مهدیان، تدوین: فرشاد اکتسابی، با صدای داریوش فرهنگ، صداگذاری: گیسو آزادرموز، مدیر تولید: حامد حریفروش و تولید مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی نیما مهدیان پیشتر مستندهای «راش»، «یک وجب خاک»، «آن مرد با اتوبوس آمد» و ... را کارگردانی کرده است.

گفت‌وگو با ابراهیم گلستان کار ساده‌ای نبود



کتاب «آخ، من خیلی دلم هوای حافظیه می‌کند» گفت‌وگوی ابراهیم گلستان با مهدی مظفری ساوجی، به همراه مجموعه‌ای از اسناد، نامه‌ها و عکس‌های شخصی و منتشرنشده این نویسنده و فیلم‌ساز منتشر شد.

کتاب «آخ، من خیلی دلم هوای حافظیه می‌کند» حاصل گفت‌وگوهای تلفنی مهدی مظفری ساوجی -شاعر و نویسنده- با ابراهیم گلستان در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ است. کتابی نزدیک به ۹۰۰ صفحه که علاوه بر روایت‌هایی از زندگی، خاطرات، ادبیات و سینما، بخشی از اسناد و تصاویر کمتر دیده‌شده این چهره ادبی و سینمایی را نیز در برمی‌گیرد؛ همچنین کتاب شامل پی‌گفتاری به قلم مسعود کیمیایی است.

مهدی مظفری ساوجی درباره شکل‌گیری این گفت‌وگوها می‌گوید: «گفت‌وگو با ابراهیم گلستان کار ساده‌ای نبود؛ برای من که تهران بودم و گلستان در لندن. اما در نهایت او را پیدا کردم. این گفت‌وگوها روی نوار ضبط شده است.»

ساوجی درباره دسترسی به آرشیو شخصی ابراهیم گلستان و اسنادی که در شکل‌گیری کتاب نقش داشته‌اند، از همراهی لیلی گلستان یاد می‌کند و می‌گوید: «در مسیر تهیه این کتاب، لیلی گلستان آرشیو گسترده‌ای را در اختیار من قرار داد؛ از جمله دو نامه منتشرنشده از صادق چوبک به سال ۱۳۲۹.»

او یکی از اتفاق‌های جالب در جریان بررسی این آرشیو را پیدا شدن نگاتیوهای قدیمی می‌داند و ادامه می‌دهد: «یک روز لیلی گلستان به من زنگ زد و گفت در بین گشت‌وگذارش در آرشیو، نگاتیوهایی مربوط به بیش از ۷۰ سال پیش پیدا کرده؛ عکس‌هایی که ابراهیم گلستان گرفته بود و ظاهر نشده بود. من نگاتیوها را دریافت و آن‌ها را ظاهر کردم.»

به گفته ساوجی، گفت‌وگو با گلستان موضوعات متنوعی را دربرمی‌گیرد. او در این‌باره توضیح می‌دهد: «همه موضوعات مختلفی در این گفت‌وگو از جنبه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ادبی پرداخته‌ایم و در این کتاب، گلستان موارد بسیاری را با زبان خودش که برای جامعه ادبی و هنری آشناست، مطرح کرده است.»

کتاب «کتاب آخ، من خیلی دلم هوای حافظیه می‌کند» در ۸۷۴ صفحه، با جلد سخت و همراه با ۳۵۲ صفحه اسناد و تصاویر رنگی، به قیمت چهار میلیون و ۳۸۰ هزار تومان توسط نشر وزن دنیا منتشر شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

توراهی‌های هوشنگ مرادی کرمانی در خارجه



«شما که غریبه نیستید»، «مهمان مامان» در «خمره» با همرای شیرین‌عاش به کشورهای خارجی می‌رود تا «قصه‌های مجید» را به مخاطبان غیرایرانی با زبان‌های غیر فارسی برساند.

هوشنگ مرادی کرمانی که در زمان‌هایش برای مخاطبان دنیاهای جدیدی خلق کرده از خودش بدون هیچ رودبایستی برایمان در «شما که غریبه نیستید» گفته، در «بچه‌های قالیباف‌خانه» از کودکان کاری گفته که به خاطر نداری و فقر کودکی‌شان را در تاریوه فرش‌ها می‌بافند، در «مهمان مامان» از استرس مادری گفته که برای مهمان عزیزکردهاش چیزی برای پذیرایی ندارد، در «مرهای شیرین» از ماجرای ساده‌ای گفته که می‌تواند بهره را به آشوب بکشد و در «خمره» از سخت‌هایی خنک‌سالی گفته است که متوجه دانش‌آموزان می‌شود. البته در همه این روایت‌های تلخ چاشنی طنز را دارید؛ خنده و گریه همزمان.

اما این همه داستان نیست؛ یکی از ویژگی‌های مهم مرادی کرمانی، گستره ترجمه آثارش است. او که از روستایی در دل کویر برآمده اما با داستان‌هایش کشورهای بسیاری سفر کرده و به قول سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ- «با زبان دلنشین و نگاهی انسانی و روایت‌هایی سرشار از زندگی» توانسته است زبان و ادبیات فارسی را در جهان بگستراند و نامش در حافظه تاریخ کشورمان بماند.

در مراسم بزرگداشت مرادی کرمانی که در هفته کتاب برگزار شد، افشین شحنه‌تبار از ترجمه «شما که غریبه نیستید» به زبان ایتالیایی خبر داد و یادآور شد: «در بیش از ۲۰ زبان آثار مرادی کرمانی را ترجمه کرده‌اند و این نویسنده از معدود نویسندگانی است که تعداد ترجمه آثارش، ظرفیت جهانی آنها را نشان می‌دهد. به نوعی در زمینه ترجمه آثار کرودکار است و کمتر نویسنده‌ای این شانس را داشته که در این حد آثارش به زبان‌های مختلف ترجمه شود.»

خبر ترجمه ایتالیایی رمان هوشنگ مرادی کرمانی، بهانه‌ای می‌شود تا از این نویسنده مطرح کشورمان درباره این اتفاق بپرسیم. او درباره ترجمه آثارش به زبان‌های دیگر و انتشار آن‌ها با همان طنز همیشگی می‌گوید: «من سال‌هاست دیگر نمی‌نویسم اما چندتا «تورانهی» در کشورهای دیگر دارم؛ «خمره» و «مرهای شیرین» در دو نشر مختلف در یونان، «مهمان مامان» در چین (البته قبلا «خمره» در این کشور ترجمه و منتشر شده است)، «قصه‌های مجید» در هند، «مهمان مامان» و «خمره» در مصر و «شما که غریبه نیستید»، «خمره» به حدی است که به گفته رایزن فرهنگی ایران در چین هفتاد هزار نسخه از آن در این کشور به فروش رفته است و سؤال افشین شحنه‌تبار این است که نمی‌دانم چرا خارجی‌ها انقدر «خمره» را دوست دارند؟

مجید» در بنگلادش یادآور می‌شود: «کتاب‌هایم به کشورهایی رفتند که خودم فکرش را هم نمی‌کردم. به نظرم موضوعی که باعث شده کتاب‌هایم به زبان‌های مختلف ترجمه شوند، نثر و موضوعاتی هستند که انتخاب کرده‌ام؛ موضوعات به شدت ایرانی است. «مجید» یک بچه ایرانی ایرانی ایرانی است. جهان، این ایرانی بودن و زندگی یک آدم ایرانی را می‌پسندد؛ همان‌طور که ما دوست داریم بدانیم مثلا کودک در یک کشور دیگر چطور به مدرسه می‌رود و چطور زندگی می‌کند. نوجوانان جهان با خواندن «قصه‌های مجید» با فرهنگ ایرانی آشنا می‌شوند و با شخصی مجید همزادپنداری می‌کنند.»

داستان‌های این نویسنده که به زبان‌های مختلفی از جمله انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، اسپانیایی، هلندی، عربی، ارمنی، هندی، چینی، ایتالیایی، روسی، ترکی و... ترجمه شده‌اند، آورده‌ای هم برای مرادی کرمانی در این کشورها داشته و هم برای ادبیات ایران. ترجمه کتاب‌هایش در کشور مقصد به عنوان کتاب برگزیده شناخته شده است؛ مثلا جایزه «خوزه مارتینی» (نویسنده و قهرمان ملی آمریکای لاتین) را در کشور کاستاریکا از آن خود کرد، یا سال گذشته ترجمه «قصه‌های مجید» در بوسنی‌هرزگوین کتاب سال شد و چند سال پیش هم یکی از آثار این نویسنده مطرح جایزه کتاب سال اتریش را دریافت کرد. استقبال از آثار او به ویژه «خمره» به حدی است که به گفته رایزن فرهنگی ایران در چین هفتاد هزار نسخه از آن در این کشور به فروش رفته است و سؤال افشین شحنه‌تبار این است که نمی‌دانم چرا خارجی‌ها انقدر «خمره» را دوست دارند؟